روی خط حادثه

واژگونی وانت‌پیکان، جان گرفت

دیبا| ۱۰ دقیقه از ساعت ۳ بامداد گذشته بود که راننده وانت‌پیکان وارد بولوار ابوطالب شد. او غافل از حادثه‌ای که چند صد متر دورتر به انتظارش نشسته بود، ناگهان به دلایلی نامعلوم دچار حادثه و واژگون شد. با اعلام این حادثه بلافاصله مأموران انتظامی به همراه دیگر نیروهای امدادی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. با حضور مأموران و در بررسی‌های اولیه مشخص شد یک دستگاه وانت‌پیکان به رانندگی مردی جوان در ورودی بولوار ابوطالب از سمت میدان خیام به دلایل نامعلومی واژگون شده است. در این حادثه راننده خودرو مجروح و به علت شدت جراحات وارده فوت کرد و جسدش با کمک نیروهای امدادی به سردخانه منتقل شد.

سقوط مرگ‌بار چاه‌کن به ته چاه

شهرآرا| برخی افراد که پیشه فنی دارند و از قضا در کار خود استاد هستند، گاهی دچار حوادثی ساده می‌شوند که نه تنها حرفه‌شان را زیر سؤال می‌برد، بلکه گاهی جانشان را نیز می‌گیرد. یکی از همین حوادث در غرب مشهد رخ داد که بلافاصله مأموران انتظامی به همراه نیروهای امدادی برای بررسی موضوع در محل حادثه حاضر شدند. با حضور مأموران انتظامی در محل مشخص شد چاه‌کنی شصت‌وسه‌ساله به علت نامعلومی به عمق چاه در حال حفر سقوط و به علت شدت جراحات وارده قبل از حضور نیروهای امدادی در محل فوت کرده است. جسد متوفی با کمک نیروهای امدادی از داخل چاه خارج و پس از هماهنگی قضایی به سردخانه منتقل شد.

تلاش شبانه‌روزی برای دستگیری یک ساقی

شهرآرا| هرچه محله شلوغ‌تر، مخفی‌شدن در آن برای متهمان راحت‌تر. این ایده نخ‌نمای برخی سوداگران مرگ است که با مخفی‌شدن در محله‌های شلوغ به‌ویژه مناطق حاشیه‌ای شهر، به دنبال بافتن کلاهی سیاه برای خود هستند. در جدیدترین پیگیری این پرونده‌ها، مأموران کلانتری معراج با رصدهای اطلاعاتی خود به خبری مبنی بر فعالیت مردی سودجو در توزیع مواد افیونی در سطح شهر مشهد دست یافتند. تیم رسیدگی‌کننده موضوع پس از چند شبانه‌روز تحقیقات نامحسوس سرانجام شب گذشته برای دستگیری این سوداگر مرگ در یکی از مناطق بولوار توس وارد عمل شدند و در این عملیات ضربتی ضمن دستگیری متهم در بازرسی از مخفیگاهش مقدار ۳ کیلو و ۲۳۰ گرم شیشه، ۲ کیلو و ۱۷۰ گرم هروئین و ۵۷۸ گرم حشیش کشف کردند.

سارق کلاهدوز اعتراف کرد

شهرآرا| سارق چهل‌ویک‌ساله فکر همه جایش را کرده بود. او پس از شناسایی سوژه‌اش زمان زیادی صرف کرده بود و با پاییدن اطراف مطمئن شده بود که خبری از مالک خودرو یا هر مورد مشکوکی نیست؛ باوجوداین، همین که کلید انداخت تا درِ صندوق عقب پژوپارس را باز کند، در همان لحظه خودروی گشت کلانتری سناباد در حال عبور از محل به این فرد مظنون می‌شود. با ایستادن خودروی پلیس، متهم در مسیر خلاف جهت خیابان شروع به دویدن می‌کند. مأموران که دیگر مطمئن شدند با یک سارق روبه‌رو شده‌اند، بلافاصله به تعقیب این فرد پرداخته و او را چند ده متر دورتر گرفتند. با توجه به تصاویر به‌دست‌آمده از متهم در تعدادی از سرقت‌های داخل خودرو با هماهنگی قضایی مخفیگاه این فرد بازرسی و در این رابطه یک دستگاه دوچرخه، سه عدد زاپاس، تعداد زیادی آچارآلات و... کشف شد. متهم که فردی سابقه‌دار است، در بازجویی‌های به‌عمل‌آمده و مواجهه با مستندات و ادله کشف‌شده، به هفده فقره سرقت از صندوق عقب خودروها در محدوده خیابان سناباد، کلاهدوز، آبکوه و تورج اعتراف کرد.

آخر خط

همسایه‌کشی به خاطر پول شارژ

تسنیم| کیفرخواست پرونده مردی که به خاطر اختلاف بر سر هزینه شارژ و مسائل ساختمان، زوج جوانی را به قتل رسانده بود، صادر شد. پیگیری این پرونده نشان می‌دهد که دوم تیرماه سال ۱۴۰۳، صدای درگیری دو همسایه در یک ساختمان، در محله کارگر جنوبی خیلی زود به جنایتی هولناک تبدیل می‌شود. با حضور پلیس تهران در محل، تیم جنایی در راه‌پله‌های ساختمان با جسد زن و شوهر جوانی مواجه شد که براثر ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بودند و یک پسر حدودا سه‌ساله نیز که فرزند مقتولان بود با لباس خونین و چهره بهت‌زده، در صحنه جنایت حاضر بود و بررسی‌ها نشان داد که او این درگیری مرگ‌بار را از نزدیک مشاهده کرده است.

گزارش‌های اولیه نشان داد این زن و شوهر در جریان درگیری با یکی از همسایه‌ها به قتل رسیده‌اند و عامل این جنایت قبل از رسیدن پلیس فرار کرده است. بدین ترتیب، اقدامات اطلاعاتی آغاز شد و طولی نکشید که متهم در همان حوالی صحنه جرم شناسایی شد و تیم پلیسی او را به اتهام مباشرت در قتل عمد بازداشت کرد. متهم ماجرای جنایت را این طور توضیح داد: چند وقت پیش در یکی از واحدهای این ساختمان ساکن شدم و در همان ابتدا با مرد همسایه بر سر مسائل مربوط به ساختمان اختلاف پیدا کردم، حتی به خاطر این موضوع در دادسرای محله شکایت خود را ثبت کردم اما به نتیجه‌ای نرسیدم. روز حادثه طبق معمول به خاطر شارژ و دیگر مسائل ساختمانی با همسایه مشاجره پیدا کردم و به خانه آمدم؛ خیلی عصبانی شدم، به همین خاطر چاقویی را برداشتم و به قصد ترساندن به خانه آن‌ها رفتم. مرد همسایه بیرون آمد و با یکدیگر درگیر شدیم و در جریان این نزاع با چهارده ضربه چاقو او را به قتل رساندم. همسر مقتول که فرزندش را به آغوش کشیده بود، به سمت آشپزخانه رفت و چاقویی را برداشت. او قصد داشت به من حمله کند که به او نیز سه ضربه زدم؛ سپس آن‌ها نزدیک هم روی زمین افتادند و جان دادند؛ پسر سه‌ساله این زوج نیز شاهد جنایت بود.

متهم‌به‌قتل در نزاع مسلحانه روستای کنه‌بیست، در بازسازی صحنه جنایت :

برای فرار شلیک کردم

محمدجواد ابوعطا

گزارش

ساعت ۲۱ پانزدهم اردیبهشت امسال صدای شلیک چندین گلوله، سکوت روستای کنه بیست در حوالی مشهد را شکست. هرچند صدای گلوله‌ها بلافاصله در صدای تیکاف خودروها گم شد، اما هیاهوی پس از آن تا حدود ۴۸ ساعت بعد که پسر جوانی به نام «محمد. میم» در بیمارستان هاشمی نژاد مشهد بر اثر اصابت گلوله کشته شد، ادامه پیدا کرد. بعد از اینکه خبر فوت محمد میان اهالی چرخید، نام «مجید. خ»، مرد پنجاه و یک ساله‌ای که در جریان درگیری پانزدهم منجر به قتل شده بود نیز دهان به دهان چرخید. هم‌زمان با اعلام قتل بر اثر شلیک گلوله، قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی دادسرای مشهد، دستورات ویژه‌ای صادر کرد و کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی موفق به دستگیری متهم شدند. در ادامه، تحقیقات تکمیلی پرونده انجام و دیروز با دستور مقام قضایی، متهم به صحنه قتل منتقل شد تا ضمن بازسازی صحنه جنایت، تمام زوایای این جنایت مسلحانه را بازگو کند.

با دستور قضای خاکشور، متهم به همراه اسلحه‌ای قدیمی (شبه‌تپانچه) که در صحنه درگیری از آن استفاده کرده بود، به محل جرم در ابتدای ورودی روستای کنه بیست منتقل شد.

متهم درباره شب حادثه مدعی شد: آن شب من سرِ زمین‌های کشاورزی بودم که به خانه‌ام در روستا برگشتم. امیر (پسرم) و مهدی (پسرخاله‌اش) برای انجام کاری سوار بر موتورسیکلت در حال خروج از روستا بودند که «علی. میم» (پدر مقتول) هنگام ورود به روستا با ماشین به سمت بچه‌ها راند. او بعد از اینکه با خودرو خود موتورسیکلت را داغان کرد، به سمت بچه‌ها حمله کرد. مهدی به ایستگاه آتش‌نشانی فرار و امیر نیز خودش را در زمین‌های خالی درون تاریکی مخفی کرد و با من تماس گرفت.

● با هم اختلاف‌هایی داشتیم

مجید درباره علت اختلافش با خانواده مقتول گفت: آن‌ها ۱۰ روز پیش مقابل خانه‌مان در همین روستا به دامادمان گیر داده بودند که فیلم‌هایش موجود است. من خودم آمدم بیرون و رفتیم پاسگاه و آشتی‌شان دادم. بعد از آن پسر من که پانزده ساله است، چند بار گفت: «بابا، این‌ها من را که در روستا می‌بینند، با ماشین به سمتم حمله می‌کنند»، هر دفعه از او خواستم کوتاه بیاید و چیزی نگوید.

● علی‌بیگ، علی‌بیگ

متهم به قتل درباره ماجرای شب جنایت ادامه داد: آن شب تازه به خانه رسیده بودم که پسرم به من زنگ زد و گریه می‌کرد و داد می‌کشید: «علی‌بیگ، علی‌بیگ»؛ من هم که ترسیدم اتفاقی برای امیر بیفتد، با پراید پسر برادرم ابتدا به زمین‌های کشاورزی رفتیم و از زیر پِخَل‌ها (اضافات ساقه‌های گندم) تفنگی را که از سال ۱۳۸۲ که مقابل گله گوسفند بودم تهیه کرده بودم، برداشتم؛ چون می‌دانستم آن‌ها اسلحه دارند، برای همین برداشتم که دست خالی نباشیم. وقتی به محل رسیدم، مهدی (پسر باجناقم) تا چشمش به من افتاد، از ایستگاه آتش‌نشانی بیرون آمد و امیر پسرم را صدا زد. امیر در حالی که گریه می‌کرد، از توی تاریکی بیرون آمد و همین که می‌خواستیم سوار ماشین شویم و برویم، ناگهان چند خودروی سواری از مسیر جاده وارد روستا شدند و با فاصله زیاد نگه داشتند و تعداد زیادی از این خودروها بیرون آمدند. علی‌بیگ و پسرش (مقتول) به همراه برادرانش را دیدم که دست حسن برادرش اسلحه بود. آن‌ها همین که پیاده شدند، حلقه زدند و بلافاصله به سمت ما شلیک کردند که سه گلوله به پهلو و شانه من خورد.

عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

در اینجا متهم مدعی شد: من قصد نزاع نداشتم، اما وقتی به سمت ما تیر انداختند، برای اینکه جلو نیایند و ما بتوانیم فرار کنیم، یک تیر به سمت زمین شلیک کردم که می‌گویند به سمت پسرش کمانه کرده و به پهلویش خورده است. بعد هم به امیر گفتم سوار ماشین شو که او پرید پشت فرمان و من عقب نشستم و برای اینکه موقعیت فرار مهیا شود، یک تیر هم از داخل شلیک کردم که به خارهای زمین خالی خورد و بعد هم از محل فرار کردیم.

● پسر او پسر خودم بود

مجید درباره انگیزه‌اش از تیراندازی مدعی شد: من قصد قتل نداشتم و پسر او پسر خودم بود، فقط می‌خواستم برای فرار، راهی باز کنم که این اتفاق افتاد. فقط دو تیر زدم و دو گلوله را هم با اسلحه تحویل دادم، آن‌ها زیاد بودند و می‌دانستم اگر برسند...

او درباره اینکه همراه امیر و مهدی چه بوده است، توضیح داد: ما فقط یک اسلحه داشتیم که دست من بود و بچه‌ها چیزی همراهشان نبود.

کشف کلید سرقت‌های مشهد از یک سمساری

حادثه داغ

سهیل دیبا| خانه‌های شهروندان یکی پس از دیگری شبانه خالی می‌شد. سارقان آن قدر حرفه‌ای بودند که هیچ سرنخی از خود به جا نمی‌گذاشتند. در حالی این سرقت‌ها هر روز بیشتر می‌شد که سرهنگ محمد چراغ، رئیس پلیس مشهد، گروهی از کارآگاهان پلیس مشهد را مأمور رسیدگی به پرونده کرد. کارآگاهان با ورود به این پرونده متوجه شدند که سارقان خیلی از منازل شمال شهر را هدف سرقت قرار داده‌اند و هیچ یک از این خانه‌ها مجهز به دوربین مداربسته نبوده است. با شنیدن اظهارات مال‌باخته‌ها به جز مشخص شدن تعداد و نشان تجاری لوازم سرقتی، چیزی دست پلیس را نگرفت. مأموران در ادامه با انجام تحقیقات میدانی گسترده به سرنخ‌هایی رسیدند که نشان می‌داد قسمتی از اموال مسروقه در یک سمساری است. کارآگاهان برای جمع‌آوری مدارک بیشتر، با هماهنگی، مدتی این سمساری را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند. در ادامه با سرنخ‌های جدیدی که به دست آوردند، مطمئن شدند که مالک سمساری سر و سری با سارقان دارد. آن‌ها پس از تکمیل تحقیقاتشان با هماهنگی قضایی وارد این سمساری شدند. در بازرسی از این مکان تعداد زیادی اموال مسروقه همچون سه دستگاه مایکروویو، اتو، آب‌میوه‌گیری، دستگاه چای‌ساز، تعدادی ساعت مچی، انگشتر و... کشف شد. با این کشف، مالک سمساری به عنوان اولین متهم در این پرونده دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد. متهم در بازجویی‌های فنی و تخصصی تیم رسیدگی‌کننده پرونده با توجه به کشف تعدادی از اموال سرقتی، به خرید اموال مسروقه از یک متهم اعتراف کرد و مشخصات این فرد را در اختیار پلیس قرار داد. مأموران متهم را با استفاده از بانک اطلاعات مجرمان حرفه‌ای شناسایی کردند و جزئیاتی جدید را در اختیار مقام قضایی گذاشتند. در ادامه با توجه به دستورات صریح قضایی، کارآگاهان که توانسته بودند هویت متهم و محل اختفایش را شناسایی کنند، عملیات دستگیری را کلید زدند. با دستگیری متهم و انتقال او به پلیس آگاهی، با توجه به یافته‌های مأموران، این متهم ضمن پذیرفتن جرمش به چهل فقره سرقت از منازل شمال مشهد اعتراف کرد. در پی این اعترافات و اقدامات فنی تاکنون پلیس توانسته است ۲۵ مال‌باخته را شناسایی کند. این متهمان در ادامه پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

---

۳ کشته در تصادف اتوبوس و پژو

مهر| شامگاه شنبه براثر برخورد شدید یک دستگاه اتوبوس مسافربری با خودرو سواری پژوپارس در محور آشخانه به جنگل گلستان، حوالی دوراهی دشت، سه نفر از سرنشینان پژو در صحنه جان خود را از دست دادند. شدت حادثه به‌قدری بود که سرنشینان خودرو در اتاقک آن گرفتار شده بودند و نجاتگران هلال احمر با استفاده از تجهیزات تخصصی، عملیات رهاسازی پیکر جان‌باختگان را انجام و اجساد را تحویل عوامل مربوط دادند.

روی خط حادثه

بازداشت وکیل قلابی در مازندران

ایسنا| فردی که با غصب عنوان وکیل از مردم کلاهبرداری می‌کرد، با هوشیاری مأموران حفاظت اطلاعات دادگستری مازندران بازداشت شد. متهم با تأسیس دفتر حقوقی در قائمشهر و ادعای وکالت، از مردم کلاهبرداری‌های متعددی انجام داده بود. او با ادعای نفوذ در مقامات قضایی و وعده اخذ رأی تضمینی، برای دریافت وجوه از اشخاص مختلف اقدام کرده بود. تحقیقات تکمیلی برای کشف زوایای دیگر پرونده و شناسایی مرتبطان احتمالی در حال انجام است.

حادثه تلخ در مسابقه اسب‌دوانی بندرترکمن

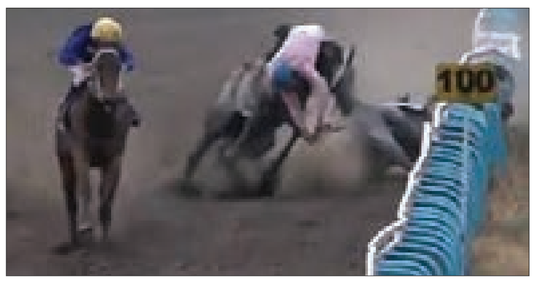

فارس| در جریان دومین هفته از مسابقات کورس بهاره بندرترکمن، امین محمدی، چابک‌سوار جوان و حرفه‌ای اهل استان البرز، در حادثه‌ای تلخ در دور هفتم مسابقات پس از خروج از پیچ آخر، به دلیل انحراف ناگهانی اسب از مسیر، با گاردریل کنار میدان برخورد کرد. در این حادثه، میل‌گردی از گاردریل وارد سینه اسب شد. چابک‌سوار جوان نیز با شدت از روی اسب به زمین پرتاب شد و با وجود انتقال به بیمارستان، تلاش پزشکان نتیجه نداد و جان باخت.

قتل با انگیزه جانب‌داری از برادر

ایلنا| با فوت فردی در شهر همدان که در یک درگیری با ضربات متعدد چاقو زخمی شده بود، تحقیقات پلیسی آغاز شد. کارآگاهان در کمتر از شش ساعت قاتل را شناسایی و دستگیر کردند. قاتل در تحقیقات به بزه ارتکابی با انگیزه جانب‌داری از برادرش در هنگام درگیری اعتراف کرد و با تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شد.

جدول ۴۳۰۵

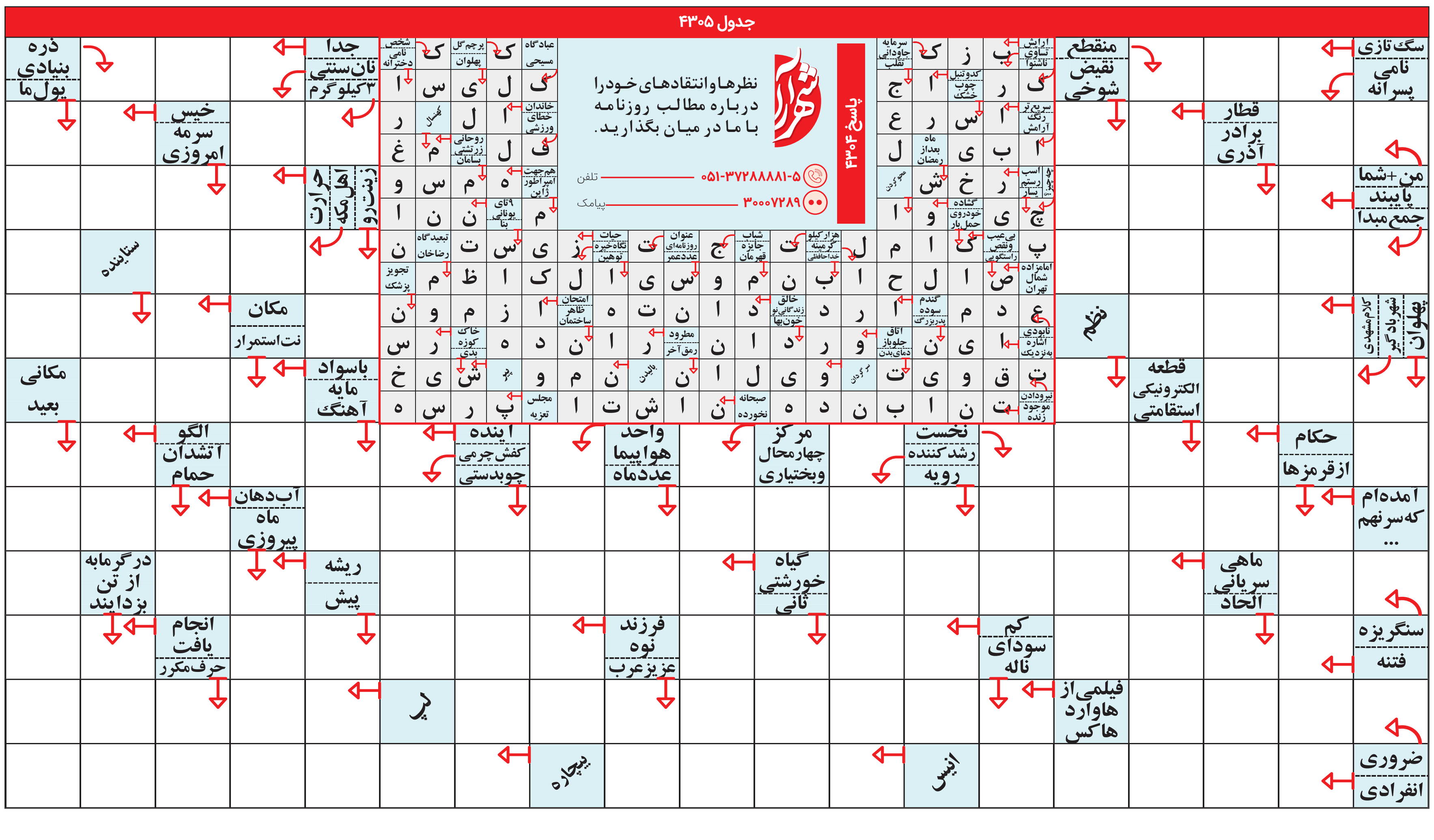
پاسخ ۴۳۰۴
شهرآرا
نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
تلفن
۳۰۰۰۷۲۸۹
پیامک